

بررسی و مقایسه نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی کرمانشاه پس از موقعیت بحران

معصومه اسمعیلی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی بعد از موقعیت بحران انجام گرفت. خانواده‌های ساکن در شهر سرپل ذهاب و روستاهای دشت ذهاب که پس از زلزله کرمانشاه همچنان در شهر و روستای خود ماندند و با شرایط منطقه سکونت خود انطباق یافتند، جامعه آماری مطالعه را تشکیل دادند. برای انتخاب اعضای نمونه از شیوه تصادفی خوشه‌ای استفاده شد و تعداد ۳۸۰ خانواده از شهر سرپل ذهاب برای نمونه پژوهش انتخاب شدند و در روستا نیز تعداد ۵ روستا بر حسب تصادف انتخاب شدند و تعداد ۳۰۰ خانواده روستایی این پرسش‌نامه را تکمیل کردند. به منظور اندازه‌گیری متغیر نیازهای انطباق‌پذیری از پرسش‌نامه محقق‌ساخته با عنوان «انطباق‌پذیری خانواده‌ها» استفاده شد که دارای سه خرده‌مقیاس «خانواده»، «خرده‌منظومه همسران»، «خرده‌منظومه والد - فرزند» بود. در پژوهش حاضر، ضریب اعتبار پرسش‌نامه در گروه نمونه مورد مطالعه برابر با ۰/۸۶۸ به دست آمد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شد. نتایج نشان داد که تفاوت‌های معنی‌داری در نیازهای انطباق‌پذیری بین خانواده‌های شهری و روستایی وجود دارد. در خرده‌مقیاس خانواده، نیازهای امنیت‌بخشی و باورسازی در خانواده‌های شهری نسبت به نیازهای خانواده‌های روستایی در

۱. استاد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(masesmaeily@yahoo.com).

اولویت بیشتری بودند. در خرده‌مقیاس همسران، نیازهای واقع‌گرایانه زوج‌های شهری بیشتر از نیازهای واقع‌گرایانه زوج‌های روستایی بود. همچنین در خرده‌مقیاس والد - فرزند، تفاوت معناداری میان نیازهای خانواده‌های شهری و روستایی یافت نشد. با توجه به نیازهای انطباق‌پذیری متفاوتی که در شهر و روستا وجود دارد، می‌توان در بسته‌های حمایتی پس از بحران، این نیازها را مورد توجه خاص قرار داد.

واژه‌های کلیدی: نیاز، انطباق‌پذیری، خانواده شهری، خانواده روستایی، بحران.

A Study on Post-Crisis Adaptability Requirements of Urban and Rural Families in Kermānshāh

Masoumeh Esmaeily¹

Abstract

The purpose of this research is to study and compare the post-crisis adaptability requirements of urban and rural families. The statical society of the study is established on the families living in Sarpolzab and Dasht-e-Zahab villages who remained in their town and villages after the earthquake of Kermānshāh and adjusted to the living conditions. In urban part, 380 families were selected by cluster random sampling, and in rural part, 5 villages randomly-selected, and 300 rural families filled out the research questionnaire. In order to measure the variable of adaptation requirements, a researcher-made questionnaire, titled "Family Adaptation" was used which had three subscales of "family", "spouse subsystem", and "parent-child subsystem". The validity coefficient of the questionnaire in the sample group obtained equal to 0.868. The analysis of the data was performed using Multivariate Analysis of Variance. The results indicated that there were significant differences in adaptability requirements between urban and rural families. In the "family" subscale, security and belief-making needs were higher in priority for urban families than for rural families. In the spouse subscale, realistic needs of urban spouses were greater than the realistic needs of rural spouses. In parent-child subscale, there was no significant difference between the requirements of urban and rural families. Concerning the difference in adaptability between urban and rural families, these requirements have to put under consideration in post-crisis support packages.

Keywords: adaptability requirements, urban family, rural family, crisis.

1. Professor of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (masesmaeily@yahoo.com).

مقدمه

با وقوع زلزله‌ای در هر زیستگاه انسانی اعم از شهر و روستا در حقیقت، نظام‌ها (سیستم‌ها)ی آن زیستگاه، درهم پیچیده و از هم گسسته می‌شود. آنچه به چشم قابل مشاهده است، تخریبی است که در نظام فضایی و کالبدی آن زیستگاه انسانی به صورت تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌های شهری و روستایی رخ داده است. اما تنها این نظام‌ها تخریب نمی‌شوند نظام اجتماعی که پیوستگی شدیدی با نظام‌های کالبدی دارند نیز تخریب می‌شوند و نظام خانوادگی غالباً از هم می‌گسلد. پس از وقوع زلزله، بازماندگان بیش از گذشته احساس تعلق خود را به خانه و محله خویش ابراز می‌کنند. نیاز شدید و دل‌تنگی آنان به محله پیشین خود واکنشی روانی است که به منظور تشدید پیوندهای اجتماعی و انسانی تعاون و همکاری بیشتر ضرورتی حیاتی دارد (مطوف، ۱۳۸۶). افراد زلزله‌زده به کسب مهارت‌هایی نیاز دارند که آن‌ها را قادر سازد عوامل تنش‌زا و چالش‌های پیش رویشان را مدیریت کنند. افراد در طول زندگی خود گذارهای متفاوتی را تجربه می‌کنند. گذار را می‌توان آغاز یک مرحله جدید و خاتمه مرحله قبل تعریف کرد (نش^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). از جمله این گذارها را می‌توان وقوع بحرانی چون زلزله یاد کرد که مستلزم شروع زندگی مجدد در خانواده است. چالش‌های پیش روی زلزله‌زدگان، ترکیبی از عوامل استرس‌زای اجتماعی یا فیزیکی است که به عنوان ریسک فاکتور (عوامل خطر) شناخته می‌شوند. این عوامل خطر می‌تواند افکاری را ایجاد کند که سلامت روان، شیوه‌های سازگاری مثبت را به خطر اندازد و همچنین به عنوان مانعی برای مشارکت آن‌ها در جامعه شود (باناتو^۲، ۲۰۱۱). فقط عوامل استرس‌زایی که شخص متحمل می‌شود مهم نیستند؛ بلکه نحوه ادراک فرد از استرس مهم است که سلامتی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ادراک می‌تواند به دو صورت مثبت (اطمینان فرد به توانایی خود در مقابله مؤثر با عوامل استرس‌زا) و منفی (فرد احساس می‌کند نمی‌تواند از عهده مشکلات و چالش‌های خود برآید) صورت گیرد (بشپور^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). وقتی عامل استرس‌زا، بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، حالت هیجانی و تفکر فیزیولوژیکی انسان از سطح بهنجار و متعادل خود خارج و فعالیت شناختی، آسیب‌پذیر می‌شود و مشکلات رفتاری به صورت احساس اضطراب، افسردگی و استرس فراخوانده می‌شود (ریو، ۲۰۰۵، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۷).

1. Nash
2. Banato
3. Bashpour

خانواده‌های سالم با ابراز هیجان و حمایت از یکدیگر با این موقعیت‌ها روبه‌رو می‌شوند و آن‌ها را می‌پذیرند و می‌دانند قادر به کنترل بسیاری از آن‌ها نیستند و در جست‌وجوی منابع حمایتی برای مقابله با آن‌ها به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده، معنادار و سازنده برمی‌آیند (گلادینگ، ترجمه اسمعیلی و رسولی، ۱۳۹۴). از آنجایی که زندگی شهری تفاوتی بنیادین با زندگی در اجتماعات روستایی و عشایری دارد، تجلی این تفاوت را در بسیاری از کنش‌های انسانی همچون تعاون، ستیز، رقابت، رفتارهای انحرافی، سازگاری و انطباق اجتماعی می‌توان مشاهده کرد (امیر مظاهری، ۱۳۹۴).

انطباق‌پذیری نقش مهمی در مواجهه با موانع و ناکامی‌ها دارد و به‌موجب آن، فرد مهارت‌های خود را برای مقابله با وضعیتی که با آن مواجه می‌شود، سازمان می‌دهد. در انطباق‌پذیری فرد مسئول ساختن زندگی خود است که لازمه آن جرئت آنان است. نگرش‌های با جرئت و مصمم سبب می‌شود که افراد اداره‌کننده خویش باشند و در گذارهای پیش رو مشارکت کنند نه آنکه درخصوص آن‌ها اهمال ورزند و یا از آن‌ها فرار کنند. چنین افرادی، عوامل استرس‌زا و مشکلات را به‌عنوان چالش‌هایی در نظر می‌گیرند که لازم است برای دستیابی به موفقیت بر آن‌ها غلبه کنند. این افراد به جای اینکه به این چالش‌ها همچون مشکلات مجزا و پراکنده نگاه کنند، سعی می‌نمایند به‌صورت کارآمدتری عمل کنند و منابع را به‌خوبی در هم ادغام سازند (لوتانز^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

خانواده‌ها در بحران زلزله به‌دلیل شرایط استرس‌زا، تغییر مکان پی در پی، انتظارات متفاوت افراد از سبک زندگی آن‌ها روزانه با فشارهای متعددی روبه‌رو می‌شوند که این امر نیاز به مسیرهای امنیت‌بخشی خانواده را می‌طلبد تا فرایند انطباق‌پذیری را تسریع بخشد. حفظ دلبستگی‌ها در وضعیت پر استرس نقش بسیار مهمی در ایجاد احساس امنیت برای خانواده‌ها ایفا می‌کند. احساس ایمنی یک عامل مهم در به حداقل رساندن شرایط بحرانی و به حداکثر رساندن میزان تاب‌آوری در افراد نیازمند به کمک است؛ زیرا افراد ایمن رویدادهای استرس‌زا را کمتر تهدیدکننده ارزیابی می‌کنند و با احتمال بیشتری به جست‌وجوی کمک از سوی دیگران برای حل مسائل خویش اقدام می‌کنند (دهکردی و همکاران، ۱۳۹۳). چنانچه خانواده دارای ساختار و کارکردهای مثبت مراقبتی باشد، دلبستگی ایمن و امنیت عاطفی و روانی ایجاد خواهد شد. روابط صمیمانه امن و هماهنگ، مکانیسم‌های زیربنایی برای موفقیت در انجام وظایف و هسته اصلی ایجاد خودپنداره مثبت

است (راتر^۱، ۱۹۹۳).

انسان این توانایی را دارد که باورهایی را بسازد و یا آن‌ها را تغییر دهد. باورسازی و بهره‌گیری از باورها در برگشت به وضعیت قبل از بحران، به فرزندان از طریق یادگیری منتقل می‌شود. خانواده‌ها بافت‌های حیاتی برای یادگیری اجتماعی هستند. در واقع والدین می‌توانند توانایی خود را در بازگشت به وضعیت قبل از بحران به فرزندان خود بیاموزند و انتقال دهند. والدین می‌توانند با تشویق فرزندان، توانمندی آنان را تقویت کنند (والش^۲، ۲۰۱۵). زلزله، سبک زندگی کودک و خانواده را تغییر می‌دهد. گرین^۳ (۲۰۰۷) بر این باور است که کودک برای دستیابی به رشد مطلوب، به محیط خانوادگی رشد یافته‌ای نیاز دارد. به عبارت دیگر، برای اینکه کودک بتواند به هر یک از توانمندی‌های تحولی فوق دست یابد لازم است پیش از آن، خانواده به‌عنوان یک واحد کلی و نظام یافته، به آن توانمندی تحولی دست یافته باشد.

توانایی‌های انطباق از طریق تعامل بین دنیای درونی و بیرونی شخص رشد و توسعه می‌یابد و به شدت به نقش‌های خاص و اتفاقات بافتی یا زمینه‌ای مربوط است. به این معنا که بافت و فرهنگ وضعیت مرزی، انطباق‌پذیری را احاطه کرده است. پس مناطق مختلف کشور در میزانی که انطباق‌پذیری را رشد و ارتقا می‌دهند و یا تشویق می‌کنند، متفاوت‌اند؛ زیرا آن‌ها فرصت‌های متفاوتی را برای توسعه و بیان منابع روانی اجتماعی و مهارت‌های تبادل‌پذیری فراهم می‌کنند (ساویکاس و پورفلی^۴، ۲۰۱۲). تصور انطباق عاملی است که می‌تواند رابطه بین وضعیت عینی و ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد (قرنجیک و بدری، ۱۳۹۳). انطباق‌پذیری یکی از عواملی است که به افراد کمک می‌کند تا در محیط‌های جدید عملکرد مناسب‌تری داشته باشند (نعیمی و مظاهری، ۱۳۹۶). دنیسون و نیل^۵ (۲۰۰۰) بیان کرده‌اند که فرهنگ انطباق‌پذیری بر انعطاف‌پذیری تأکید دارد و از نظر راهبردی به محیط خارجی توجه می‌کند.

هرچند پژوهش‌هایی در رابطه با نوع اقلیم محل سکونت انجام شده و نشان داده است که می‌تواند تأثیر بسزایی در انطباق‌پذیری افراد داشته باشد؛ اما مقایسه میان این امر در خانواده‌ها در وضعیت بعد از بحران بررسی نشده است. این پژوهش درصدد بررسی و

1. Rutter
2. Walsh
3. Green
4. Savickas & porfeli
5. Denison & Neal

کشف مؤلفه‌های انطباق‌پذیری است که با توجه به بافت می‌تواند در انطباق با وضعیت بحران متفاوت باشد. این پژوهش درصدد نشان دادن ظرفیت خانواده‌ها در پذیرش موقعیت بحران است و در تلاش است تفاوت‌های بارز میان خانواده‌ها را با توجه به اقلیم محل سکونت آنان روشن سازد. با توجه به اینکه مشخص نیست براساس اقلیم محل سکونت چه عواملی می‌تواند بر فرایند انطباق‌پذیری خانواده‌ها در وضعیت بحرانی بعد از زلزله تأثیرگذار باشد، لذا این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال اساسی برآمد که آیا تفاوتی بین نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه و روش نمونه‌گیری: خانواده‌های ساکن در شهر سرپل ذهاب و روستاهای دشت ذهاب که پس از زلزله کرمانشاه همچنان در شهر و روستای خود ماندند و با وضعیت منطقه سکونت خود انطباق یافتند، جامعه آماری مطالعه را تشکیل می‌دادند. برای انتخاب اعضای نمونه از شیوه تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. از بین مجموع خانواده‌های ساکن در شهر سرپل ذهاب پنج منطقه انتخاب شدند و با توجه به موارد فوق، تعداد ۳۸۰ نفر از خانواده‌های شهر سرپل ذهاب به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های انطباق‌پذیری را تکمیل کردند. ولی داده‌های مربوط به ۷ نفر نامعتبر بود و تحلیل‌های نهایی با ۳۷۳ انجام شد. در روستا نیز تعداد ۵ روستا بر حسب تصادف انتخاب شدند و تعداد ۳۰۰ نفر از خانواده‌ها این پرسش‌نامه را تکمیل کردند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه‌های انطباق‌پذیری خانواده‌ها: به‌منظور اندازه‌گیری متغیر نیازهای انطباق‌پذیری از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. ساخت و تنظیم این پرسش‌نامه از طریق مضمون‌های احصایی از داده‌های کیفی به‌دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از این است که این پرسش‌نامه روایی سازه لازم را ندارد. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۶۸ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۷۲۸ تا ۰/۸۰۸ بود که نشان می‌دهد، این پرسش‌نامه دارای اعتبار لازم است. این پرسش‌نامه براساس مؤلفه‌های مستخرج از تحلیل محتوا ساخته شدند.

بررسی داده‌ها درباره مفهوم انطباق‌پذیری در وضعیت بحران به ساختن ۸۴ سؤال ابتدایی در خرده‌مقیاس‌های «خانواده»، «خرده‌منظومه همسران»، «خرده‌منظومه والد - فرزند»

در مورد ارزیابی انطباق‌پذیری منجر شد. این پرسش‌نامه در قالب مقیاس لیکرت و در قالب گزینه‌های «بسیار مخالف»، «مخالف»، «موافق» و «بسیار موافق» با ارزش ۱ تا ۴ در عبارات مثبت و ۴ تا ۱ در عبارات منفی نمره‌گذاری شده است. انطباق‌پذیری که دارای نمره‌ای بالاتر از یک انحراف معیار بالای میانگین باشد به‌عنوان انطباق‌پذیری زیاد و انطباق‌پذیری که دارای نمره‌ای پایین‌تر از یک انحراف معیار زیرمیانگین باشد به‌عنوان انطباق‌پذیری ضعیف شناخته می‌شود. به‌منظور برآورد روایی محتوایی، پرسش‌نامه مشتمل بر ۸۴ سؤال به ۱۰ متخصص حوزه روان‌شناسی و مشاوره داده شد و با توجه به جمع‌بندی نظرات متخصصان اصلاحاتی در ساختار پرسش‌نامه اعمال شد. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار کل پرسش‌نامه در گروه نمونه مورد مطالعه برابر با ۰/۸۶۸ به‌دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: به‌منظور بررسی تفاوت نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله از تحلیل واریانس چندمتغیری^۱ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال: آیا تفاوتی بین نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله وجود دارد؟

به‌منظور بررسی تفاوت نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. در خروجی‌های نرم‌افزار نتایج شاخص‌های اثر پیلایی^۲، لامبدای ویلکز^۳، اثر هوتلینگ^۴ و بزرگ‌ترین ریشه روی^۵ گزارش می‌شود. هر چهار آزمون گزارش شده برای بررسی معنی‌داری تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده می‌شوند. پرکاربردترین آزمون که در بیشتر گزارشات ارائه می‌شود لامبدای ویلکز است و قوی‌ترین آزمون نیز که نسبت به عدم برقراری پیش‌فرض‌ها مقاوم است اثر پیلایی است. در مواقعی که تمامی شرایط برقرار است و حجم نمونه‌ها نیز یکسان است نتایج هر چهار آزمون شبیه و نزدیک به یکدیگر می‌شود. در بررسی این فرضیه از مقادیر اثر پیلایی برای نتیجه‌گیری در جدول استفاده شده است.

1. MANOVA
2. Pillai's trace
3. Wilks' lambda
4. Hotelling's trace
5. Roy's largest root

جدول ۱ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری مقایسه‌ی نیاز انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله

شاخص‌ها	ارزش شاخص‌ها	F ارزش	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری	η ^۲
اثر پیلایی	۰/۰۹۳	۳/۲۵۲ ^۰	۸/۰۰۰	۲۵۴/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۹۳
لامبدای ویلکز	۰/۹۰۷	۳/۲۵۲ ^۰	۸/۰۰۰	۲۵۴/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۹۳
T هو تلینگ	۰/۱۰۲	۳/۲۵۲ ^۰	۸/۰۰۰	۲۵۴/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۹۳
ریشه روی	۰/۱۰۲	۳/۲۵۲ ^۰	۸/۰۰۰	۲۵۴/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۹۳

در جدول ۱ مشاهده می‌شود که مقدار F به دست آمده برای اثر پیلایی با مقدار ۳/۲۵۲ و با درجه‌های آزادی ۸ و ۲۴۵ در سطح $p < ۰/۰۰۲$ معنی دار است که نشان‌دهنده تفاوت‌های معنی دار انطباق‌پذیری بین خانواده‌های شهری و روستایی است. حجم اثر برای منبع تغییر گروه ۰/۰۹۳ به دست آمده است که مقداری متوسط است و نشان می‌دهد متغیر مستقل که همان مکان زندگی است تأثیر متوسطی بر مؤلفه‌های انطباق‌پذیری خانواده با مشکل دارد. به منظور مقایسه‌های جزئی‌تر، نتایج آزمون تعقیبی توکی در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲ نتایج مقایسه زوجی مؤلفه‌های انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی

مؤلفه‌ها	محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	تفاوت گروه	خطای برآورد	معنی داری
هماهنگ‌سازی خانواده با تغییرات	شهر	۳/۳۹۳	۰/۰۳۶	۰/۱۸۴ ^۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰
	روستا	۲/۰۹۳	۰/۰۳۷			
امنیت بخش خانواده	شهر	۱۸۶/۳	۰/۰۳۶	۰/۱۶۷ ^۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰۱
	روستا	۳/۰۱۹	۰/۰۳۷			
ارتباط‌سازی خانواده	شهر	۲/۹۵۲	۰/۰۳۴	۰/۰۱۷	۰/۰۴۹	۰/۷۲۹
	روستا	۹۳۴/۲	۰/۰۳۵			
مقاوم‌سازی خانواده	شهر	۳/۲۸۱	۰/۰۴۴	۰/۱۱۷	۰/۰۶۳	۰/۰۶۴
	روستا	۳/۱۶۴	۰/۰۴۵			
باورسازی خانواده	شهر	۳/۱۰۲	۰/۰۴۲	۰/۲۰۷ ^۰	۰/۰۶۱	۰/۰۰۱
	روستا	۲/۸۹۶	۰/۰۴۴			
تعلیم‌بخشی خانواده	شهر	۳/۲۳۲	۰/۰۳۰	۰/۰۸۰	۰/۰۴۳	۰/۰۶۴
	روستا	۳/۱۵۲	۰/۰۳۱			

ادامه جدول ۲

مؤلفه‌ها	محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	تفاوت گروه	خطای برآورد	معنی داری
مشارکتی خانواده	شهر	۳/۰۱۱	۰/۰۵۲	۰/۰۵۴	۰/۰۷۵	۰/۴۷۲
	روستا	۲/۹۵۷	۰/۰۵۴			
انسجام بخشی خانواده	شهر	۳/۳۵۸	۰/۰۳۱	۰/۰۸۱	۰/۰۴۵	۰/۰۷۲
	روستا	۳/۲۷۷	۰/۰۳۲			

همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود در مؤلفه‌های هماهنگ‌ساز خانواده با تغییرات، امنیت بخش خانواده و باورسازی خانواده تفاوت معنی دار است. این معنی داری به شکلی است که در خانواده‌های شهری نیاز به انطباق پذیری خانواده بیشتر احساس می‌شود.

سؤال: آیا تفاوتی بین نیازهای انطباق پذیری همسران خانواده‌های شهری و روستایی در گیر بحران زلزله وجود دارد؟

به منظور بررسی تفاوت نیازهای انطباق پذیری همسران خانواده‌های شهری و روستایی در گیر بحران زلزله از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. در خروجی‌های نرم افزار نتایج شاخص‌های اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی گزارش می‌شود. هر چهار آزمون گزارش شده برای بررسی معنی داری تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده می‌شوند. در بررسی این فرضیه از مقادیر اثر پیلایی برای نتیجه گیری در جدول استفاده شده است.

جدول ۳ نتایج تحلیل مانوا مقایسه نیاز انطباق پذیری همسران خانواده‌های شهری و روستایی در گیر بحران زلزله

شاخص‌ها	ارزش شاخص‌ها	F ارزش	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری	η ^۲
اثر پیلایی	۰/۰۴۴	۲/۹۳۶*	۴	۲۵۸	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴
لامبدای ویلکز	۰/۹۵۶	۲/۹۳۶*	۴	۲۵۸	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴
T هوتلینگ	۰/۰۴۶	۲/۹۳۶*	۴	۲۵۸	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴
ریشه روی	۰/۰۴۶	۲/۹۳۶*	۴	۲۵۸	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴

در جدول ۳ مشاهده می‌شود که مقدار F به دست آمده برای اثر پیلائی با مقدار ۲/۲۵۲ و با درجه‌های آزادی ۴ و ۲۵۸ در سطح $p < 0/02$ معنی‌دار است که نشان‌دهنده تفاوت‌های معنی‌دار انطباق‌پذیری بین همسران خانواده‌های شهری و روستایی است. حجم اثر برای منبع تغییر گروه ۰/۰۴۴ به دست آمده است که مقداری ضعیف است و نشان می‌دهد متغیر مستقل که همان مکان زندگی است تأثیر ضعیفی بر مؤلفه‌های انطباق‌پذیری خانواده با مشکل دارد.

به منظور مقایسه‌های جزئی‌تر، نتایج آزمون تعقیبی توکی در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴ نتایج مقایسه زوجی مؤلفه‌های انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی

معنی‌داری	خطای برآورد	تفاوت گروه	انحراف معیار	میانگین	محل سکونت	مؤلفه‌ها
۰/۹۹۹	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	۳/۱۶۸	شهر	رفتارهای ارتباطی
			۰/۰۴۱	۳/۱۶۸	روستا	
۰/۳۱۷	۰/۰۵۴	۰/۰۵۴	۰/۰۳۸	۳/۲۹۴	شهر	رفتارهای
			۰/۰۳۹	۳/۲۴۰	روستا	انگیزشی
۰/۳۳۱	۰/۰۶۳	۰/۰۶۲	۰/۰۴۴	۳/۲۹۲	شهر	رفتارهای
			۰/۰۴۵	۳/۲۳۰	روستا	مشارکتی
۰/۰۰۴	۰/۰۵۷	۰/۱۶۳*	۰/۰۴۰	۳/۲۲۸	شهر	واقع‌گرایانه
			۰/۰۴۱	۳/۰۶۴	روستا	

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود در مؤلفه واقع‌گرایانه تفاوت معنی‌دار است. این معنی‌داری به شکلی است که در خانواده‌های شهری نیاز به مؤلفه واقع‌گرایانه همسران خانواده بیشتر احساس می‌شود.

سؤال: آیا تفاوتی بین نیازهای انطباق‌پذیری در رابطه والد - فرزندی خانواده‌های

شهری و روستایی درگیر بحران زلزله وجود دارد؟

به منظور بررسی تفاوت نیازهای انطباق‌پذیری والد فرزند خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. در بررسی این فرضیه از مقادیر اثر پیلائی برای نتیجه‌گیری در جدول ۵ استفاده شده است.

جدول ۵ نتایج تحلیل مانوا مقایسه نیاز انطباق پذیری والد - کودک خانواده‌های شهری و روستایی درگیر بحران زلزله

شاخص‌ها	ارزش شاخص‌ها	F ارزش	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی داری	η ^۲
اثر پیلائی	۰/۰۲۳	۱/۱۹۱*	۵	۲۵۷	۰/۳۱۴	۰/۰۲۳
لامبدای ویلکز	۰/۹۷۷	۱/۱۹۱*	۵	۲۵۷	۰/۳۱۴	۰/۰۲۳
t هوتلینگ	۰/۰۲۳	۱/۱۹۱*	۵	۲۵۷	۰/۳۱۴	۰/۰۲۳
ریشه روی	۰/۰۲۳	۱/۱۹۱*	۵	۲۵۷	۰/۳۱۴	۰/۰۲۳

در جدول شماره ۵ مشاهده می شود که مقدار F به دست آمده برای اثر پیلائی با مقدار ۱/۱۹۱ و با درجه‌های آزادی ۸ و ۲۴۵ در سطح $p < ۰/۳۱۲$ معنی دار نشده است که نشان دهنده تفاوت‌های غیر معنی دار انطباق پذیری بین روابط والد - فرزند خانواده‌های شهری و روستایی است. حجم اثر برای منبع تغییر گروه ۰/۰۲۳ به دست آمده است که مقداری ضعیف است و نشان می دهد متغیر مستقل که همان مکان زندگی است تأثیر متوسطی بر مؤلفه‌های انطباق پذیری والد - فرزند با مشکل دارد. به منظور مقایسه‌های جزئی تر، نتایج آزمون تعقیبی توکی در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶ نتایج مقایسه زوجی مؤلفه‌های انطباق پذیری خانواده‌های شهری و روستایی

مؤلفه‌ها	محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	تفاوت گروه	خطای برآورد	معنی داری
راهبردهای اکتشافی	شهر	۲/۸۹۸	۰/۰۵۰	۰/۰۷۵	۰/۰۷۲	۰/۳۰۳
	روستا	۲/۸۲۳	۰/۰۵۲			
راهبردهای اعتباربخشی	شهر	۳/۱۲۱	۰/۰۴۸	۰/۱۲۶	۰/۰۶۸	۰/۰۶۶
	روستا	۲/۹۹۵	۰/۰۴۹			
راهبردهای امنیت بخشی	شهر	۳/۰۵۲	۰/۰۵۲	-۰/۰۰۶	۰/۰۷۴	۰/۹۳۵
	روستا	۳/۰۵۸	۰/۰۵۳			
راهبردهای آموزشی	شهر	۳/۰۵۷	۰/۰۴۸	۰/۰۵۰	۰/۰۶۹	۰/۴۶۸
	روستا	۳/۰۰۷	۰/۰۵۰			
راهبردهای انگیزشی	شهر	۲/۹۴۹	۰/۰۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۳	۰/۹۹۸
	روستا	۲/۹۴۹	۰/۰۵۲			

همان‌گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود در تمامی مؤلفه‌ها تفاوت بین خانواده‌های شهری و روستایی غیر معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های ساکن در شهر و روستای شهر سرپل‌ذهاب را در فرایند بحران زلزله گزارش می‌کند. هدف از آن مقایسه نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌ها، خرده‌سیستم همسران و خرده‌سیستم والد - فرزندی با توجه به اقلیم محل سکونت آن‌ها و درک بهتری از نیازهای آن‌ها به تفکیک محل زندگی بوده است.

براساس یافته‌های پژوهش در مقایسه نیازهای انطباق‌پذیری خانواده‌های شهری و روستایی خانواده‌های شهری در مؤلفه‌های امنیت‌بخش و باورساز نیاز به انطباق بیشتری نسبت به خانواده‌های روستایی داشتند. یکی از مؤثرترین شیوه‌های امنیت‌بخشی در خانواده‌های زلزله‌زده، کسب حمایت خانواده گسترده است که معمولاً خانواده‌های شهری، نیاز بیشتری به آن احساس می‌کردند. از آنجا که تاب‌آوری از مؤلفه‌های انطباق‌پذیری است می‌توان در این رابطه به یافته‌های حسین چاری و محمدی (۱۳۹۰) نیز اشاره کرد که نشان دادند با توجه به اینکه جوامع شهری نسبت به جوامع روستایی فردگراتر هستند و فرصت‌های بیشتری را جهت تجربه و کشف مستقل‌ها برای اعضای خود فراهم می‌کنند باورهای مذهبی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری باشد؛ ولی در جوامع روستایی که جمع‌گرایی حاکم است، وجود هنجارها و آداب و رسوم می‌توانند زمینه‌ساز دانش مذهبی و اتکا به این دانش پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری باشد. همچنین نوع باورهای حاکم بر خانواده‌ها حاکی از قدرت باورها در ارتقای میزان انطباق‌پذیری خانواده‌هاست که در این پژوهش نشان داده شد قدرت باورها در خانواده‌های روستایی به مراتب بیشتر از خانواده‌های شهری است. یافته‌های رحمانی (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد مذهب و باورهای مذهبی به منزله هسته نظام فرهنگی و زمینه‌ساز تولید انسجام اجتماعی نقش کلیدی در جامعه روستایی ایران دارد که از یک سو حافظ سنت است و از سوی دیگر می‌تواند عامل تغییر و عنصر مشروعیت‌بخش تغییرات باشد.

در مؤلفه امنیت‌بخشی، روستاییان نیاز کمتری را در این زمینه برای انطباق با وضعیت بحرانی احساس می‌کردند؛ زیرا ترکیب اعضای خانواده و لزوم حضور خانواده‌های جوان در کنار والدین برای انجام کار کشاورزی در خانواده‌های روستایی،

خانواده‌های جوان را برای کار در مزرعه در کنار خانواده پدری ماندگار می‌کرد (زرگر و حاتمی خانقاهی، ۱۳۹۳). همین امر سبب تشکیل خانواده گسترده می‌شود و میزان احساس امنیت در مناطق روستایی در مقایسه با شهری را بیشتر می‌کند.

پایین بودن سطح پیوندهای محله‌ای در شهرها و بالا بودن نسبی آن در مناطق روستایی با توجه به وجود و تداوم ساختارهای سنتی و خویشاوندی در روستاها و به تبع آن تأثیر این پیوندها بر اطمینان خاطر و احساس حمایت از سوی همسایگان و یا هم روستاییان در هنگام بروز خطر، احساس امنیت را در وجود افراد افزایش می‌دهد.

واقع‌نگری و پذیرش واقعیت‌ها یکی از باورهایی است که در میان افراد انطباق‌پذیر مشاهده شد. در بررسی مقایسه‌ای نیازهای انطباق‌پذیری خرده‌سیستم همسران شهری و روستایی پس از بحران زلزله، در مؤلفه واقع‌گرایی زوج‌های شهری تفاوت معناداری با زوجین روستایی داشتند. و این نیاز در شهر بیشتر احساس می‌شد. لی^۱ (۲۰۰۸) معتقد است در روستا که چهره نجیبی از زندگی اجتماعی است خانه مکانی برای زندگی تجملاتی و روابط رسمی نیست؛ بلکه مکانی برای رفع خستگی ناشی از ساعت‌ها کار فیزیکی سخت است و به دلیل پیوند با طبیعت زندگی مبتنی بر اصول و ارزش‌های مشخص و معینی است. لی در مورد فضاهای سکونت و اهمیت آن‌ها در کیفیت زندگی، بیان می‌کند که این کیفیت ماهیتی ذهنی دارد.

در شهر تمرکز بیشتر بر جمعیت، ابزار تولید، سرمایه، لذات و نیازهاست، در حالی که در روستا واقعیتی مقابل آن دارد. روستا در ارتباط با طبیعت قرار دارد (ریاضی، ۱۳۹۲). در روستاها به دلیل موقعیت جغرافیایی با طبیعت پیوند نزدیک‌تری دارند. آن‌ها دائماً مجبور به تمکین در برابر عناصر طبیعی مثل باران، گرما، برف و خشکسالی هستند و تسلطی بر این عناصر ندارند. نوع و کنش متقابل اجتماعی در مناطق روستایی به شدت با شهر از لحاظ کیفی و کمی متفاوت است. در مناطق روستایی به دلیل تماس‌های خودمانی و غیر تشریفاتی، بُعد و تجانس، فشار اجتماعی شدیدتر است و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی بیشتر تحت تأثیر فشارهای اجتماعی غیر رسمی قرار دارد. تشابه تجربه‌ها و هدف‌های مشترک عامل وحدت و هم‌بستگی در روستاهاست. یعنی از مناسبات غیر رسمی میان مردم نشئت می‌گیرد؛ اما هم‌بستگی در جامعه شهری بر پایه تفاوت‌ها و ناهمانندی‌ها، تقسیم کار و به‌طور کلی مناسبات تشریفاتی است (ازکیا، ۱۳۷۲).

طبق یافته‌های پژوهش این عوامل می‌تواند به درون خانواده‌ها نفوذ کند و سبب تفاوت میان نیازهای انطباق‌پذیری زوجین پس از بحران زلزله شود و این امر را برای زوجین شهری با سختی بیشتری روبه‌رو سازد.

طبق یافته‌های پژوهش در بررسی نیازهای انطباق‌پذیری در رابطه با والد - فرزند در خانواده‌های شهری و روستایی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. بنابراین خانواده‌هایی که در محیطشان ارتباط میان اعضا و ساخت داخل آن‌ها براساس نزدیکی، صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار باشد، همه اعضا آن نسبتاً علیه فشارهای زندگی مقاوم و مصون می‌شوند؛ زیرا هر فرد در چنین خانواده‌ای شیوه‌هایی را یاد می‌گیرد که به وسیله آن‌ها این قدرت را پیدا می‌کند که با موقعیت‌های ناکام‌کننده و یا دارای فشار روانی به گونه‌ای مناسب روبه‌رو شوند. یعنی فرزندان در این نوع خانواده‌ها سبک مسئله‌مدار را برای مقابله با بحران‌های زندگی انتخاب می‌کنند؛ هرگاه با مشکلی روبه‌رو شوند مشکل را از همه جوانبش بررسی می‌کنند و در راستای حل مسئله ایجادکننده استرس و یا به حداقل رساندن آن تلاشی انجام می‌دهند (یارمحمدیان و مختاری، ۱۳۹۴).

باتوجه به گستردگی ابعاد نیازهای خانواده‌های بحران‌زده و اهمیت میزان انطباق‌پذیری با وضعیت جدید و همچنین ظرفیت گسترده خانواده جهت انطباق با شرایط بحرانی، پیشنهاد می‌شود با تدوین بسته‌های آموزشی متناسب با فرهنگ، نژاد و قومیت از بروز بسیاری از مشکلات ناشی از بحران‌های غیر مترقبه جلوگیری کنیم و زمینه رشد خانواده‌ها و الگوپذیری از آن‌ها و همچنین تلاش برای هرچه سریع‌تر عادی‌سازی کردن زندگی را فراهم سازیم. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی با لحاظ کردن این موارد بر توان تعمیم‌پذیری و غنای اطلاعات به دست آمده افزوده شود.

از نتایج این مطالعه می‌توان در برنامه آموزشی بعد از وقوع بحران، برای تعیین یک راهنمای عملی جهت افزایش آمادگی افراد بحران‌زده و به‌عنوان زمینه‌ای برای تحقیقات بعدی در رابطه با انطباق‌پذیری استفاده کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در سایر بحران‌ها و در سایر نقاط صورت گیرد و با کمک پرسش‌نامه نیازسنجی تدوین شده در این طرح، نیازهای مطرح در دیگر بحران‌ها نیز بررسی شود و تحقیقات بعدی به‌منظور تکمیل برنامه آموزشی انجام و در گام بعد بسته‌های آموزشی تدوین شده براساس نیازها و اهداف شناسایی شده در مطالعه حاضر، به مرحله اجرا درآید و مورد آموزش و ارزشیابی قرار گیرد. از آنجا که این پژوهش در منطقه زلزله‌زده کرمانشاه انجام گرفت، لذا از

محدودیت‌های آن می‌توان به عدم تعمیم‌پذیری یافته‌های این پژوهش به سایر فرهنگ‌ها یاد کرد.

منابع

- ازکیا، م. (۱۳۷۲). بررسی نیازهای بهزیستی در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- امیر مظاهری، ا. م. (۱۳۹۴). سنخ‌شناسی انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۶ تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۵، ۱۲۳-۱۵۴.
- حسین چاری، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی براساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان شهری و روستایی. *روان‌شناسی معاصر*، ۶، ۴۵-۵۶.
- دهکردی، م.، مهمان نوازان، ا.، و کاکوجویاری، ع.ا. (۱۳۹۳). تأثیر سبک‌های دلبستگی، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده بر میزان تاب‌آوری و رابطه آن با احساس غم غربت در میان دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه الزهراء. *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ۴، ۱۷۳-۲۰۴.
- رحمانی، ج. (۱۳۹۱). جایگاه دین روستایی در جامعه‌شناسی روستا: علل بی‌توجهی و پیامدهای آن. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳، ۸۵-۱۰۵.
- ریاضی، ا. (۱۳۹۲). شهر؛ پدیده‌ای میان‌رشته‌ای. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱، ۱۰۱-۱۱۵.
- ریو (۲۰۰۵). *انگیزش و هیجان*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۷). تهران: ویرایش.
- زرگر، ا.، و حاتمی خانقاهی، ت. (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۱۴۸، ۴۵-۶۲.
- قرنجیک، ع.، و بدری، س.ع. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان جعفریای جنوبی شهرستان ترکمن. *مسکن و محیط روستا*، ص ۱۴۶-۱۳۴.
- گل‌دینگ، ساموئل. (۱۹۹۸). خانواده درمانی. ترجمه اسمعیلی، تاجیک؛ رسولی، محسن. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات تزکیه
- مطوف، ش. (۱۳۸۶). بحران هویت و تشدید آن در زندگی اردوگامی پس از زلزله بم. *باغ نظر*، ۱، ۷۳-۸۰.
- نعیمی، ا.، و مظاهری، ز. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مشاوره مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر انطباق‌پذیری مسیر شغلی دانشجویان. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۲۷.
- یارمحمدیان، ا.، و مختاری، ا. (۱۳۹۴). رابطه عملکرد خانواده با سبک مقابله با فشارهای روانی در دانشجویان دختر اصفهان در سال ۱۳۹۱. *دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۹، ۷۱۳-۷۳۸.

Banato, E.J. (2011). Educational resilience: The relationship between school protective factors and student achievement. San Diego: state university. (Dissertation PhD).

Bashpour, S., Narimani, M., & Isa-Zadegan, A. S. (2012). [Correlation between coping styles and social support with perceived stress (Persian)]. *Psychological Studies*, 9(2), 29-48.

Denison, D, R., & Neal, W.S. (2000). Denison organizational culture survey, facilitator guide.

Published by Denison Consulting 11, LLC. 30-37.

- Green, S. E. (2007). We're tired, not sad: Benefits and burdens of mothering a child with a disability. *Social Science & Medicine*, 64(1), 63-150.
- Lee, Y.J. (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei. *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
- Luthans, F., Youssef, C., & Avolio, B. (2007). *Psychological Capital: Developing The Human Competitive Edge*. Oxford England: Oxford University Press
- Nash, R., Lemcke, P., & Sacre, S. (2009). Enhancing transition: An enhanced model of clinical placement for final year nursing student. *Nurse Educ*, 29(1), 48-56.
- Rutter, M. (1993). Resilience: some conceptual considerations, *journal of adolescent health*, 14, 626-631.
- Savickas, M, L. porfeli, E. J. (2012). Careeradapt-abilities scale:construction, reliability, and measurement equivalence across 13 countries. *Journal of Vocational Behavior*, 81, 1-13.
- Walsh, F. (2015). *Strengthening Family Resilience*, Third Edition, Guilford Publications